

برخی از دشمنان هاشمی (علیه السلام)

① علم غیب: علت استغاده از علم غیب دودلی و شک بیشتر سبب آن پس از سخاوت امام هادی (علیه السلام) بود که بعضی شک داشتند ایشان امامیه یا برادرشان محمد بن علی.

۱- ابوهاشم عقیلی در زندان بود و فشار زندان و آزارها و شکنجه‌ها او را اذیت می‌کرد تا نامه‌ای برای امام عسکری (ع) نوشت، امام در پاسخ نوشتند امروز نماز ظهر و در منزل می‌خوان. «مناب/ ۲۰/ ۴۳۲»

۲- به شخص ناشی گفت: من نوشته‌ام بی‌بدون مرکب می‌نویسم اگر امام، پاسخ داد می‌پذیرم که حق با اوست و او بر حق است؛ نوشت و برگه را از دست امام فرستادم، امام ناآلود و بی‌دشمن روی برگه نوشتند، او وقتی برگه را دید از هوش رفت و پس از بهبودی آمدن شعله شد.

«مناب»

۳- محمد بن محمد از امام عسکری (ع) طی نامه ای خواست تا برای وضع حد
همسرش، امام دعا کند چرا که زایمان در شکم نگذرد و فرزندش سالم باشد،
امام فرمودند: خداوند به تو سپرد عطا می کند نام های عبدالرحمن و محمد

اسامی خوبی هستند - پس از چند روزی آن زن ۲ سپید (دوقلو) به دنیا آورد
و نامهای هر دو را عبدالرحمن و محمد گذاشت. «کشف الغم» ج ۲، ص ۴۱۸.

۴- حضرت محمد مکتوبید، در راه با امام حرکت میکردیم که در دلم از امام پرسیدیم
آیا خداوند به من فرزند می دهد، امام سرشان را برآورد تا آمدن او در دلم
دوباره در دلم پرسیدیم: آیا سپید خواهد بود؟ امام سرشان را به اساره نهنگان
دادند - بعد مدتی خدا به من فرزند دختر عطا کرد. «سیره بیوتیان»

۵- حللی میگفت: در سامرا دم در منزل حضرت، منتظر فرود امام
بودیم، نامه ای از امام به این مضمون رسید: «هستاره، هیچ کس به سوی من

سلام نکلند و بادیست اشاره نکلند که جانان در نظر خواهد بود. ۲

جوای کنایه دست من اسباده بود و منتظرانم زیرا به امامت اسبان

شک داشتند و آمده بود برابر رفیع سبجه ، نامش عقاره بود؛ بگذریم امام

از منزل خارج شدند وقتی دوری مار رسید به جوان زد و گفت آیا تو

عقاره هستی؟ جوان گفت: بلی. امام فرمودند: نام مادرت چندی

خوب است؟ جوان گفت: خوب است. امام از مقابل ماعبور کرد و رفت.

گفتم: ای جوان! آیا امام را قبلاً دیده بودی؟ گفت: خیر، بار من همین کافی است

7- سالی در سامرا قطعی بیس او آمده بود، سه روز نماز باران خوانند ولی

باران نیامد، روز چهارم یکی از راهبان و بزرگان مسیحی به صحرانته د

هر وقت او دعا میکرد بارانهای درشتی می بارید. از امام عسکری علت را

پرسیدند، ایشان گفتند، بگوئید فردا نیز بیاید. هر که باران طلبد (الله اعلم)

مناقب ائمه / ج ۱ / ص ۴۶۵

② تَلاَسُّمَایِ عِلْمِیِّ حَضْرَتِ (عَلَيْهِ السَّلَام)؛ با توجُّه به عقائد حکومتِ عباسی و

نِسارها که امام در سن ۲۸ سالگی رجوانی به شهادت رسیدند اما

سَنخِ طوسی را گوید، امام پیش از هجرت اگر در تبریز گردند نامهایشان را می برد،

از جمله ، احمد بن اسحاق اشعری قمی

ابوهاشم داود بن قاسم جعفری

عبدالله بن جعفر حمیری

عثمان بن سعید

علی بن جعفر ، محمد بن صفار و ...

③ رَفْعِ سَجَّاتِ عِلْمِیِّ ،

این شهر آشوب منگه ، اسحاق کنذی از فلاسفه اسلام در عرب بود در

عراق امامت داشت ، کتابی نوشته به نام مناقضات قرآن ؛ از

شاگردان وی تردان بن عسکری (ع) شرمسار شد ... (ادامه)

مناسب / ۲۰ / ۴ / ص ۴۲۴

④ فلغای زمان امام عسکری (علیه السلام):

۱- مُعْتَزٌ ، او فرزند متوکل عباسی بود که پس از برکناری مُسْتَعِیْن به خلافت رسید - روزی گروهی از ترکان به قصر معتز رخنه کردند و پس از کتک زدن وی اورا از خلافت عزل کردند و در سردای تکرار داده و درپ آن را با خست مسود کردند و اورا زنده به گور کردند. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۷، ص ۱۲۵

۲- مُهْتَدِیٌ ؛ هر دو مقصد کسین امام را داشتند اما به نتیجی نرسیدند او پس از قتل برادرش مُعْتَزٌ ، در سال ۲۵۵ هـ ق به خلافت رسید.

اخلاقی معتدل داشت ولی بازیچه دست ترکان دربار عباسی بود.

تا حدودی به شکایات مردم رسیدگی می کرد - در امور اقتصادیه صابانه رو بود.

در باره از شرفیات و مکیسای باکیساز می کرد. برخی مورخان می گویند

روزها روزی داشت و با نان و نمک اظهار می کرد. جان، ص ۲۳۳

امام حسن عسکری (ع) رازندانی کرد، تا کشته شدن او امام زندانی بود. جان، ص ۲۱۳

۳- معتمد، سرعموی محمدی یا محمدی بود.

در سال ۲۵۶ به خلافت رسید و بیست سال بعد مُرد. متولد ۲۲۹ بود

اکثر مورخان گفته اند، او شیفته عباسی و خوشگذرای بود و لذا مردم به برادرش

رو آورده بودند. «تاریخ سیاسی اسلام، دکتر ابراهیم حسن، ج ۲، ص ۳۸۸»

در کل نشا، و تحفیدها و آزارهای خلفای عباسی نسبت به ائمه

قدری بود که امام هواد^(ع) در سن ۲۵ سالگی، امام هادی^(ع) ۴۱ سالگی و امام

حسن عسکری^(ع) ۲۸ سالگی به شهادت رسیدند.

کار، ج ۲، ص ۵۰

و این فشارها در زمان امام حسن عسکری (ع) بیشتر شد زیرا

۱] شیعه قدرتی جدا گرفته بود و حکومت عباسیان را به رسمیت نمی شناخت.

۲] عباسیان از اضا، زبانی شنیده بودند و می دانستند که مهدی خود^(عج)

رشته کن کنند حکومت هاشمی خودکامه، از سنل امام عسکری^(ع) است.

لذا به شدت ایشان را مراقب بودند تا جائی که دو شب در پنج شبها امام باید در دربار حاضر می

⑤ تدابیر امنیتی امام حسن عسکری (ع)،

۱- تفسیر خط: اهدن اسماں میگہ، از امام خواستم نمونه ای از دست خط نشان را به من نشان دهند تا نامه ها را از نامه ها حلقی ساسا می کنند. امام فرمود: «خط من گاهی با قلم باریک و گاهی با قلم بچین ۵، اگر حسین دیدی نگران نباش.» «منابع، ج ۴، ص ۴۳۳»

۲- هشدار به حضور جاسوسان

ابوهاشم میگہ، امام را از زندان بیرون آوردند، همه در ایشان جمع شدیم در میان ما فردی غنبر عرب بود که ادعا میکرد شیعه است؛ امام متوجه او شد و دستور داد که او بیرون برود، سپس به ما فرمود: این مرد از شما نیست و گزارش از شما برای حلیفه تهیه کرده که در لای لباس او است. یکی از حاضرین رفت او را با زری کرد و او را مطالب مهم خطی را که از ما نوشته بود...

۳ ← ولگزارى و فطرتِ هاى سياسى در شرايطِ ویرانه

مثلاً ، عثمان بن سعید تحت پوششِ رونقِ فرودشى ، اموال و وجوهها ، مردم را جمع آورى مىکرد و به امارت مىرساند (در طرفهاى روى) سفینه العار ، شمعها ، ج ۱، ص ۱۵۸

۴ ← روزى امارتِ حویى (به شکل عصا) به خدمتگزارش داود بن اسود مىدهد تا او به عثمان بن سعید تحويل بدهد درین راه کسى راه را بر او نیندازد...
که با حویى

⑥ سببى مالی امارتِ حویى :

← ابو هاشم جعفرى مىگوید ، نیاز مالی خود را به اطلاع امارت رساندم ، حضرت

۵۰۰ دینار به من داد و فرمود ، اگر کم است عذر ما را بنده من . مناقب ج ۴، ص ۴۳۹

← خود ابو هاشم جعفرى مىگوید ، در مصلحت بودم ولى خجالت کشیدم مسأله را ،

امام بگم روزى امارت صد دینار برابرم فرستاد و در نامه اش نوشت هر دو صفت

احسانى داشتى خجالت نکش . مناقب ج ۴، ص ۴۳۹

۷) تَقْوَتِ رُوحِهِ عِنَا صَبْرٍ سَعِيٍّ

۱) امام عسکری^(ع) در نامه ای به علی بن حسن با یوبه قلمی مرفر مایده ای بزرگ مرد،

مورد اعتماد و فقیه من، صبر کن، و سبب آن را به صبوری توصیف کن.

«عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتَظِرِ الْفُرْجَ» . مناقب، ج ۴، ص ۴۲۵

۲) امام در پاسخ محمد بن حسن که از فقر گله می کرد، فرمود:

فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران است، ما سنا نگاه و نور هیم

برای هدایت جوانان، دستاران ما در رتبه بلندی از تقرب به خداوند

مناقب، ج ۴، ص ۴۲۵